

بچه‌ها! جهان منتظر نقاشی‌ها و نوشته‌های شماست اما انگار خودش این را نمی‌داند. نقاشی‌های شما مثل چراغانی رنگی در یک کوچه‌ی تاریک است. همه با دیدن نقاشی‌های شما خوش حال می‌شوند. چیزها همان شکلی است که شما می‌کشید نه آن‌جوری که در واقعیت هست.

شما با نقاشی‌ها و نوشته‌هایتان، حقیقت را نشان می‌دهید. نقاشی‌ها و نوشته‌های شما یعنی اینکه دنیا را چگونه دیده‌اید و انگشت‌هایتان چگونه حرکت کرده است. این‌ها بزرگ‌ترین رازهای جهان است. بزرگ‌ترین هنرمندان جهان دوست داشته‌اند که دوباره بتوانند جهان را مثل شما ببینند و انگشت‌هایشان را مثل شما حرکت بدهند. در کارهای شما همه چیز زیباست. شما مثل طبیعت هستید. در طبیعت، ما هیچ چیز زشتی نداریم.

هیچ وقت لازم نیست یک کوه یا یک درخت

را پاک کنیم و دوباره بکشیم. هر درخت،

درست همان شکلی است که خدا آن

را احساس کرده است. شما هم

یک گل را همان‌طور می‌کشید که

آن را احساس می‌کنید. پس

آموزش یعنی اینکه بتوانید

احساسات را پیدا کنید و

آن را نشان بدهید. حالا

شاید بپرسید که معنای

خلاقیت چیست...

به نظر من خلاقیت

این است که خدا هر

لحظه دربارهی شما

حس تازه‌ای می‌آفریند.

وقتی شما چیزی از این

احساس می‌فهمید،

خلاق می‌شوید. اگر

می‌خواهید خلاق باشید،

سعی کنید به چیزها عادت

نکنید. خدا در هر لحظه تازه

است و چیزها در هر لحظه در

برابر خدا تازه‌اند. شما هم تازه

باشید. کلید تازگی، شگفتی است.

پس چیزها را معمولی نبینید. سعی

کنید تازه نگاه کنید تا همه چیز

برایتان تازه باشد. مثل چراغانی در

کوچه‌ای تاریک.

مثل چراغانی رنگی
کوچه‌ای تاریک

